

بزه‌دیده‌شناسی سبز: با تأکید بر سیاست کیفری ایران

باقر شاملو* اصغر احمدی** قدرت‌الله خسروشاهی***

تاریخ دریافت: ۹۵/۱/۲۱ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۱.

چکیده:

بزه‌دیده‌شناسی سبز یا زیست‌محیطی از جمله شاخه‌های جرم‌شناسی سبز است که در دهه ۱۹۹۰ میلادی با خاستگاهی انتقادی از نظام عدالت کیفری در تقابل با بزه‌دیده‌شناسی متعارف پا به عرصه‌ی ظهور گذاشت. در بزه‌دیده‌شناسی متعارف همواره انسان‌ها به‌عنوان بزه‌دیده‌ی جرائم معرفی گشته حال آن‌که بزه‌دیده‌شناسی سبز با گذار از این دیدگاه و ارزش‌گذاری برای محیط‌زیست معتقد است که انسان در کنار طبیعت می‌تواند بزه‌دیده سبز باشد. با رهگیری مقررات حاکم سیاست کیفری تقنینی ایران می‌توان بزه‌دیدگان سبز را به دو دسته‌ی جان‌دار و بی‌جان تقسیم کرد. بزه‌دیدگان سبز جان‌دار عبارت‌اند از اشخاص، جانوران، درختان و گیاهان و بزه‌دیدگان سبز بی‌جان نیز به هوا، آب، خاک و زمین قابل تقسیم‌اند. با این وجود، هرچند نظام حقوقی ایران هر دو دسته را به‌عنوان بزه‌دیده‌ی سبز انگاشته است و از این‌رو متأثر از رویکرد طبیعت‌محور بوده، اما چالش‌های فراوانی در راستای حمایت از آن‌ها در این مقررات وجود دارد که به تصویر کشیدن آن‌ها می‌تواند نقش ارزنده‌ای در شناسایی و حمایت از بزه‌دیدگان سبز ایفا نماید. از این‌رو در این پژوهش، هدف نخستین شناسایی بزه‌دیدگان سبز و دومین هدف بیان گستره‌ی حمایتی قانون‌گذار از بزه‌دیدگان سبز و چالش‌های پیش‌روی آن است.

واژگان کلیدی: جرایم زیست‌محیطی، جرم‌شناسی سبز، بزه‌دیدگان سبز، سیاست کیفری ایران.

* دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه اصفهان

*** قدرت‌الله خسروشاهی استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول):

مقدمه؛

امروزه حق بر محیط زیست سالم به عنوان موضوعی پراهمیت در نسل سوم حقوق بشر در قالب حق بر همبستگی مورد توجه نظام بین المللی قرار گرفته است. در نظام داخلی نیز اغلب کشورها در قوانین اساسی به مسئله محیط زیست و ممنوعیت آسیب به آن پرداخته اند. به همین جهت این امر سبب پدید آمدن فرایند «اساسی سازی حق بر محیط زیست» گشته است (مشهدی، ۱۳۹۳: ۵۶۰). با این وجود می توان به آسیب هایی از جمله: تولید زباله های خطرناک، گرم شدن کره زمین، سوراخ شدن لایه ی اوزن، جنگل زدایی، قاچاق گونه های جانوری و گیاهی نادر، آلودگی های شدید زیست محیطی، باران های اسیدی^۱ و روبه نیستی رفتن منابع آب اشاره کرد که علاوه بر آنکه محیط زیست را تخریب می کند، حیات بشری را نیز با چالش مواجه می سازند (زارع مهدوی؛ دانش ناری، ۱۳۹۵: ۱۳).

پرسش مهمی که در پس این آسیب ها پیش می آید آن است که به راستی قربانی آن ها چه کسی یا چه چیزی است. به عبارت دیگر بزه دیده در جرایم زیست محیطی کیست. در پاسخ باید بیان داشت که هر چند جرایم زیست محیطی به عنوان جرایم بدون قربانی در نظر گرفته می شوند (..... .. .؛ رهامی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۷ - ۴۴)، اما از نظر رویکرد بزه دیده شناسی سبز که برای نخستین بار در سال ۱۹۹۶ توسط کریستوفر ویلیامز^۲ مطرح شد (..... .. .) این سخن با واقعیت منطبق نیست. رویکرد بزه دیده شناسی سبز^۳ که به دنبال بیان گسترده ی محدود حقوق کیفری در شناسایی بزه دیدگان سبز است (..... .. .) در صدد است تا با

۱. باران های اسیدی نه تنها بر سلامتی انسان، بلکه بر خاک، گیاهان و جانوران نیز اثرات سویی می گذارد (..... .. .).

۲..... .. .

۳..... .. .

نگاهی انتقادی^۱ و متفاوت از بزه‌دیدة‌شناسی متعارف، به قربانیان بزه‌های زیست‌محیطی بنگرد. بزه‌دیدة‌شناسی سبز گفتمانی فراتر از بزه‌دیدة‌شناسی متعارف دارد که همواره رویکردی انسان‌مدارانه داشته و انسان‌ها را به‌عنوان بزه‌دیدة معرفی کرده است؛ چه بزه‌دیدة‌شناسی سبز سخنش علاوه بر انسان، درباره‌ی کسان غیر از انسان نیز هست که تا چند دهه پیش، جرم‌شناسی و بزه‌دیدة‌شناسی از آن‌ها غافل بوده‌اند (... .. ؛ دانش‌ناری و مرادفر، ۱۳۹۴: ۷۰). در واقع هرچند آسیب‌های وارد بر محیط‌زیست مورد غفلت جرم‌شناسی بوده، اما در دهه‌های اخیر تمرکز جرم‌شناسی بر جرایم زیست‌محیطی افزایش یافته (... ..). که یکی از پیامدهای این توجه، شناسایی کسان غیر از انسان به‌عنوان بزه‌دیدة بوده است. بدین‌سان بزه‌دیدگان سبز در سه دسته‌ی اشخاص، طبیعت و نسل‌های آینده قابل شناسایی هستند. باین‌وجود در این پژوهش بزه‌دیدگان سبز در دو دسته بزه‌دیدگان جان‌دار (اشخاص، جانوران، درختان و گیاهان) و بزه‌دیدگان بی‌جان (هوا، آب، خاک و زمین) مورد بررسی قرار خواهند گرفت؛^۲ از این‌رو هرچند نسل‌های آینده در دسته‌ی بزه‌دیدگان بالقوه‌ی جرایم زیست‌محیطی قرار می‌گیرند که فرایند بزه‌دیدگی آن‌ها ناشی از قصور، بی‌مبالاتی و فعل و ترک-فعل‌های نسل‌های قبل از خود است (گرچی فرد، ۱۳۹۵: ۲۱۲)، اما از بزه‌دیدگی نسل‌های آینده

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. بزه‌دیدة‌شناسی سبز خود یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی سبز است. جرم‌شناسی سبز (... ..) به مطالعه آسیب، بزه و پاسخ در قبال آن، بزه‌دیدگی و قربانی شدن، عدالت زیست‌محیطی، قوانین و مقرره‌های زیست‌محیطی و موضوع‌های فلسفی و اخلاقی به‌عنوان موضوعاتی که به انسان، جانوران، گونه‌های گیاهی و اکوسیستم و اجزا آن مربوط می‌شوند، می‌پردازد (... .. به نقل از عباچی، ۱۳۹۵: ۷۹۴).

۲. قانون سنج‌های است که بر پایه آن می‌توان بزه‌دیدگان سبز را شناسایی کرد؛ اما چالش مهم این سنج‌ها آن است که از منظر بزه‌دیدة‌شناسان سبز، قانون عمدتاً حامی منافع قدرتمندان است (... ..) یا این که جرایم زیست‌محیطی را دولت‌ها انجام می‌دهند (... ..) از این‌رو تمامی رفتارهای آسیب‌زا به محیط‌زیست در پناه قانون قرار نگرفته و جرم‌انگاری نمی‌شوند.

سخنی به میان نخواهد آمد؛ زیرا آن‌ها خود در یکی از این دو گروه قرار خواهند گرفت و تفاوت آن‌ها با بزه‌دیدگی نسل کنونی فقط در زمان بزه‌دیدگی است.

اما نکته قابل ذکر در این خصوص آن است که منظور از بزه‌دیده‌ی سبز هر آن چیزی است که جز ذات طبیعت است نه هر چیزی که در طبیعت وجود دارد. به همین جهت اجزای طبیعت که بزه‌دیده‌ی سبز واقع می‌شوند عبارت‌اند از: هوا، آب، خاک، جانوران، درختان، گیاهان و زمین؛ بنابراین اگرچه ممکن است جرایم زیست‌محیطی بر آن چه که در این جهان مادی وجود دارند تأثیر بگذارند (مانند تأثیر آلودگی هوا بر آثار تاریخی - فرهنگی) اما این موارد بزه‌دیده‌ی سبز نخواهند بود؛ چرا که جز ذات طبیعت نبوده و از مصنوعات بشری هستند.

ضرورت شناسایی بزه‌دیدگان سبز را می‌توان علاوه بر تکلیف دولت‌ها بر اعمال اصل سیزدهم بیانیه کنفرانس سازمان ملل متحد درباره‌ی محیط‌زیست و توسعه، ریو-۱۹۹۲ که بیان‌کننده‌ی «تدوین قوانین ملی برای شناسایی قربانیان آلودگی محیط‌زیست» است؛ با توجه به سنجه‌هایی نمایان ساخت. سنجه نخست، کثرت بزه‌دیدگان سبز است که به معنای شمار زیاد آن‌ها است. برخلاف بزه‌های متعارف که به‌طور معمول بزه‌دیدگان اندک و معینی دارند، بزه‌های زیست‌محیطی قربانیان بی‌شماری بر جای می‌گذارند. سنجه‌ی دوم، تنوع بزه‌دیدگان سبز می‌باشد. توضیح آن که در جرایم متعارف انسان‌ها به‌عنوان بزه‌دیده معرفی می‌شوند حال آن‌که در بزه‌های زیست‌محیطی به جهت پیوستگی اکوسیستم، چنانچه بخشی از آن مورد تعرض قرار گیرد، سایر بخش‌ها نیز بزه‌دیده واقع می‌شوند.

سرانجام سومین سنجه، وسعت بزه‌دیدگان سبز است. این سنجه به معنای محدود نبودن بزه‌دیدگان سبز به قلمروهای حاکمیتی کشورها و فرامرزی شدن آن‌ها است. به دیگر سخن گاه جرم جنبه‌ی فرامرزی دارد، مانند تجارت گونه‌های جانوری و گیاهی نادر یا انتقال غیرقانونی مواد پرتوزا و خطرناک (وایت، ۱۳۹۴: ۱۳) و گاه اثر جرم زیست‌محیطی فرامرزی است، مانند تغییرات آب و هوایی که ناشی از انتشار گازهای گلخانه‌ای است. بدین‌سان در بزه‌های زیست‌محیطی

آن‌چه رخ می‌نماید آن است که نخست مظاهر طبیعت متعلق به یک کشور خاص نیست و دوم به جهت تأثیر اجزای مختلف محیط‌زیست بر یکدیگر، چنان‌چه بخشی از آن مورد تعرض قرار گیرد، دیگر اجزا نیز خودبه‌خود بزه‌دیده واقع می‌شوند. به همین جهت است که جرایم زیست‌محیطی فرامرزی تأثیر مهمی بر کیفیت آب، خاک و هوا می‌گذارند و باعث در خطر افتادن گونه‌ها و تغییرات آب و هوایی می‌شوند (... ..).

در این پژوهش هدف بر آن است تا بزه‌دیدگان سبز شناسایی شوند، به همین جهت در راستای شناسایی آن‌ها موضع حقوق کیفری ایران در این حوزه تشریح و سپس کاستی‌های آن مورد نقد قرار می‌گیرد تا گامی در راستای حمایت از این بزه‌دیدگان در قانون‌گذاری کیفری ایران برداشته شود. از این‌رو مطالب این پژوهش به دو قسمت عناصر جان‌دار محیط‌زیست چون بزه‌دیده سبز (الف) و عناصر بی‌جان محیط‌زیست چون بزه‌دیده سبز (ب) تقسیم می‌شوند.

۱. عناصر جان‌دار محیط‌زیست چون بزه‌دیده‌ی سبز؛

بزه‌دیدگان سبز جاندار خود بر چهار دسته اشخاص (۱)، جانوران (۲)، درختان (۳) و گیاهان (۴) تقسیم می‌شوند.

۱-۱. اشخاص؛

بی‌شک انسان‌ها همواره از آسیب‌های زیست‌محیطی رنج برده‌اند، به طوری که انواع مختلف سرطان و بیماری‌های تنفسی می‌تواند ناشی از قرار گرفتن در معرض آلاینده‌ها باشد (... ..). با این‌وجود گاه انسان بزه‌دیده‌ی آسیب‌های زیست‌محیطی می‌شود که لباس قانونی بودن بر تن دارند و مجرمانه نیستند. به دیگر سخن ممکن است تغییراتی در محیط‌زیست ایجاد شود که در عین حال جرم زیست‌محیطی نیستند (قاسمی، ۱۳۸۴: ۵۶). برای مثال می‌توان به محصولات دستکاری‌شده ژنتیکی (..)^۱ یا تراریخته از جمله دانه‌های روغنی چون سویا و

1.....

ذرت اشاره کرد که مشکلاتی مانند تغییر در کیفیت مواد غذایی (.....). حساسیت‌زایی (.....)، مقاومت به آنتی‌بیوتیک (.....)، حساسیت‌زایی (.....)، ایجاد سموم، افزایش میزان ابتلا به سرطان، آلرژی‌های غذایی، آلودگی ژنتیکی، نابودی حشرات مفید، حاصل‌خیزی خاک، ایجاد آبرغلف، هرزها و ابر حشرات را به بار می‌آورند (مشهدی و محتشمی، ۱۳۹۴: ۴۹۴).

هرچند برخی کشورها با توجه به خطرات محصولات تراریخته استفاده از این محصولات را ممنوع کرده‌اند، اما در نظام حقوقی ایران استفاده از آن‌ها نه تنها ممنوع نیست بلکه قانون ایمنی زیستی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۸ بر وجود آن‌ها تأکید می‌کند. ماده ۲ این قانون مقرر می‌دارد: «کلیه امور مربوط به تولید، رهاسازی، نقل و انتقال داخلی و فرامرزی، صادرات، واردات، عرضه، خرید، فروش، مصرف و استفاده از موجودات زنده تغییر شکل یافته ژنتیکی با رعایت مفاد این قانون مجاز است و دولت مکلف است تمهیدات لازم را برای انجام این امور از طریق بخش‌های غیردولتی فراهم آورد». این در حالی است که مطابق بند ج ماده ۵ قانون مزبور: «مسئولیت حفاظت از سلامت انسان و بررسی ارزیابی مخاطرات احتمالی موجودات زنده تغییر شکل یافته‌ای که به مصرف غذای انسان می‌رسد و همچنین مسئولیت شناسایی و اتخاذ تدابیر لازم در مورد موجودات زنده‌ای که به‌طور مستقیم و غیر مستقیم برای انسان بیماری‌زا می‌باشد بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد»، اما به گفته‌ی معاون دفتر پژوهش سازمان حفاظت محیط‌زیست هیچ ارزیابی مخاطراتی برای کشت تراریخته در کشور انجام نشده است.^۱

اما گاه انسان‌ها به یک میزان بزه‌دیده‌ی سبز واقع نمی‌شوند و در این میان برخی بیش‌تر از سایرین در معرض آسیب‌های زیست‌محیطی قرار می‌گیرند. برای تشریح این سخن می‌توان دو

1.....

فرض را مطرح کرد. نخست جایی که ناخواسته قشری از انسان‌ها نسبت به دیگران آسیب بیشتری می‌بینند و دوم جایی که بزه‌کاران زیست‌محیطی، بزه‌دیدگان خود را انتخاب و بزه‌های زیست‌محیطی خویش را علیه آنان انجام می‌دهند. در خصوص مورد نخست باید بیان داشت که از میان انسان‌ها دو قشر خاص، یعنی اطفال و زنان (البته به‌جز بیماران) از آسیب‌های زیست‌محیطی رنج بیشتری می‌برند. بر اساس نظر پژوهش‌گران سازمان بهداشت جهانی، کودکان آسیب‌پذیرترین قشر در میان اقشار مختلف در مقابل تغییرات زیست‌محیطی هستند؛ به‌طوری‌که در سال ۲۰۰۴ میلادی بر اساس پژوهشی با عنوان «وارثان زمین» و «بررسی اطلس سلامت کودکان و محیط‌زیست»، کودکان به‌عنوان آسیب‌پذیرترین قشر اجتماعی معرفی شدند (نجفی، ۱۳۹۲: ۳۴۹).

در خصوص مورد دوم نیز باید بیان داشت که مطالعات تجربی نشان می‌دهد که خطرهای زیست‌محیطی، پیامدهای بسیاری را برای افراد رنگین‌پوست، اقلیت‌های قومی و بومی‌ها در استرالیا، کانادا و آمریکا به وجود می‌آورد و بر این اساس، الگوهای بزه‌دیدگی افتراقی در زمینه‌های دفع پسماند، آلودگی هوا، سوانح شیمیایی، دسترسی به آب‌های آشامیدنی و غیره وجود دارد (وایت، ۱۳۹۴: ۲۰۷-۲۰۶).

از این‌رو در نظام حقوقی ایران بزه‌دیدگی انسان‌ها به‌صراحت در آلودگی‌های زیست‌محیطی به رسمیت شناخته شده است. تبصره ۲ ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ در این زمینه مقرر می‌دارد: «منظور از آلودگی محیط‌زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به‌میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به‌طوری‌که به حال انسان... مضر باشد، تغییر دهد».

۱-۲. جانوران؛

در نگاه سنتی به جانوران، آن‌ها وسیله‌ای برای رفاه انسان محسوب می‌شدند؛ از این‌رو نخست مالکیت انسان بر آن‌ها روا داشته می‌شد و دوم مالک حق هرگونه برخورد با آن‌ها را داشت. به

همین جهت در سنت کلاسیک غربی حیوانات تنها به عنوان یک ماشین در خدمت انسان تلقی می‌شوند و کلیه احکام مربوط به رابطه‌ی میان انسان و حیوانات تابع رابطه‌ی محض مالک و شی بود؛ به همین جهت شکارچیان به راحتی می‌توانستند آن‌ها را تحت مالکیت خود درآورند (سیدفاطمی و مشهدی، ۱۳۹۰: ۲۴۰).

از این رو نگاه شی‌محور را می‌توان از دو جهت نظاره‌گر بود. از یک سو در تولید گوشتی که از جانوران به عمل می‌آید و از دیگر سو ارتکاب رفتارهایی مانند استفاده از سگ‌ها برای نگهبانی یا پیدا کردن مواد مخدر توسط پلیس؛ استفاده از اسب‌ها توسط پلیس برای گشت زنی؛ آزمایش بر روی جانوران؛ استفاده در باغ‌وحش‌ها و سیرک‌ها؛ آزار و اذیت؛ شکار، صید و قاچاق حیوانات، اما با نضج تفکرات متفاوت در برخورد با جانوران این نگاه به حاشیه رانده شد و رفته‌رفته آن‌ها دارای حقوقی شدند که از شی بودن آن‌ها فاصله گرفت. بدین سان در بعد نظری در خصوص حمایت از جانوران در برابر رفتار انسان‌ها با آن‌ها علاوه بر حوزه‌ی اخلاق کاربردی که شاخه‌ای از آن به نام اخلاق حیوانات/حقوق حیوانات به جد به پژوهش درباره رفتار و تعامل آدمیان با حیوانات می‌پردازد (جاهد، ۱۳۹۲: ۱۶۲)؛ جرم‌شناسی انتقادی گونه‌های حیوانی یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی انتقادی است که بر شناسایی و مطالعه حیوانات یا موجودات غیرانسانی به عنوان بزه‌دیدگان و قربانیان طیف وسیعی از اعمال، سیاست‌ها و جرایم ارتكابی نهادهای غیردولتی و دولتی، انسان‌ها و اشخاص حقوقی تأکید می‌ورزد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵: ۲۰). به همین جهت این جرم‌شناسی خواهان مطالعه بیشتر بر روی حیوانات و زمینه‌های حمایتی از آن‌ها است (خانعلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۷). بدین سان هم در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و هم در حقوق داخلی کشورها به خصوص کشور ایران قوانینی در راستای حمایت از جانوران به تصویب رسید که گام مهم و ارزنده‌ای در شناسایی حقوق جانوران به شمار می‌رود.

در نظام حقوقی ایران نیز در ابتدای قانون‌گذاری شاهد وجود نگاه سنتی غرب به حیوانات هستیم؛ زیرا از یک طرف بر اساس مواد ۱۷، ۳۴ و ۱۷۱ قانون مدنی، جانوران می‌توانند جزء اموال

اشخاص قرار گیرند و از سوی دیگر بر اساس ماده ۱۷۹ و ۱۸۱ این قانون شکار کردن موجب مالکیت بر حیوان خواهد شد، اما این نگاه با تصویب قوانین بعدی تا حدی تعدیل یافت و بزه‌دیدگی حیوانات به رسمیت شناخته شد. برای مثال می‌توان به آیین‌نامه امور خلافی مصوب ۱۳۲۲ اشاره کرد که برای «کسانی که پرندگان یا دام‌های زنده را آویزان حمل کنند یا به‌طور آویزان نگاه‌دارند» (بند ۱۲) و «کسانی که به‌وسیله‌ی شلاق یا چیز دیگر دام‌های زنده را بیازارند به طوری که موجب ایراد جرح یا صدمه بدنی آن‌ها گردد» (بند ۱۷) کیفر دو تا پنج روز حبس تکدیوری و ده تا پنجاه ریال غرامت را در نظر گرفته بود. پس از آن نیز با تصویب قوانین مرتبط با شکار و صید نگاه تملک‌محورانه به جانوران از ره‌گذر شکار و صید مطرود گشت.

جانوران در حقوق ایران می‌توانند بزه‌دیده‌ی جرایم متفاوتی از قبیل حیوان‌آزاری^۱، شکار، صید و قاچاق شوند؛ به همین جهت در نظام حقوقی ایران سه قانون مهم وجود دارد که هر یک از این رفتارها را جرم‌انگاری کرده است. نخست قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ با اصلاحیه‌های بعدی؛ دوم قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و سوم قانون قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ (اصلاحی ۱۳۹۴).

در نظام کیفری ایران می‌توان بزه‌دیدگی جانوران در برابر شکار^۲ و آسیب‌های جسمانی را از منظر گونه آن‌ها مورد بررسی قرار داد. از این منظر می‌توان جانوران را به دو دسته خشکی‌زی و آبی‌زی تقسیم کرد. جانوران خشکی‌زی خود بر دو گروه وحشی و اهلی قابل تقسیم هستند. جانوران وحشی بر پایه‌ی قانون شکار و صید سه نوع هستند که عبارت‌اند از: جانور وحشی عادی، جانور وحشی حمایت‌شده و جانور وحشی در معرض خطر انقراض.

۱. با توجه به ماده ۶۷۹ قانون تعزیرات، برخی از مصادیق حیوان‌آزاری مانند مسموم یا ناقص کردن جرم‌انگاری شده است.

۲. شکار عبارت است از تیراندازی به پستانداران و پرندگان و خزندگان وحشی یا کشتن یا گرفتن یا تعقیب کردن آن‌ها به هر کیفیت و وسیله و طریق (ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون شکار و صید).

حمایت کیفری از جانور وحشی عادی در بند الف ماده ۱۰ قانون شکار و صید به عمل آمده که برای مرتکب کیفر جزای نقدی از یک صد هزار ریال تا یک میلیون ریال یا حبس از یک تا شش ماه در نظر گرفته شده است. از این رو در یکی از آرای قضایی آمده است: «در پرونده حاضر آقای... متهم است به شکار یک قلاده روباه... بزه کاری نامبرده را محرز دانسته به استناد بند الف از ماده ۱۰ قانون شکار و صید نامبرده را به تحمل ۹۱ روز حبس تعزیری محکوم می‌نماید»^۱.

چنانچه موضوع جرم، جانور وحشی حمایت شده باشد، بر اساس ماده ۱۲ میزان کیفر از سه ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا هجده میلیون ریال خواهد بود. بر این اساس در یکی از آرای قضایی آمده است: «در خصوص اتهام آقای... دایر بر شکار غیرمجاز دو قلاده گراز و سه قطعه تیهو و دو قطعه مرغابی... بزه کاری متهم را محرز و مسلم دانسته و مستنداً به بند ب ماده ۱۲ قانون شکار و صید حکم به محکومیت نامبرده به پرداخت هجده میلیون ریال جزای نقدی صادر می‌گردد»^۲.

اما چنانچه موضوع شکار جانوران وحشی کمیاب مانند گوزن زرد ایرانی، گورخر، یوزپلنگ و پلنگ باشد، میزان کیفر بر اساس ماده ۱۳ حبس از نود و یک روز تا سه سال یا جزای نقدی از یک میلیون و هشت صد هزار ریال تا بیست میلیون ریال خواهد بود. بدین سان در یکی از آراء قضایی آمده است: «در خصوص اتهام آقای... مبنی بر شکار پلنگ با احراز بزه انتسابی مستنداً به ماده ۶۸۰ قانون مجازات اسلامی و بند الف ماده ۱۲ قانون شکار و صید به تحمل دو سال حبس محکوم می‌نماید...»^۳.

۱. پرونده کلاسه ۹۲۰۹۹۸۸۷۴۴۱۰۰۵۲۴ شعبه اول دادگاه عمومی دادگستری شهرستان سروآباد.

۲. پرونده کلاسه ۹۸۶۱۳۹۲۰ شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو بهبهان.

۳. مقنن حکم شکار پرندگان شکاری از قبیل شاهین و بحری را در تبصره ۲ ماده ۱۳ مقرر کرده است که مرتکب علاوه بر حداکثر کیفر حبس مقرر در ماده، به جزای نقدی نیز محکوم خواهد شد.

در قانون تعزیرات نیز مواد ۶۷۹ و ۶۸۰ به شکار جانوران اختصاص داده شده است. بخش دوم ماده ۶۷۹ به حمایت از حیواناتی که شکار آن‌ها توسط دولت ممنوع اعلام شده و ماده ۶۸۰ به حمایت از جانوران وحشی حفاظت شده پرداخته است که با توجه به این که قانون شکار و صید علاوه بر جرم‌انگاری گونه‌محور (جانور عادی، حمایت‌شده و کم‌یاب) به جرم‌انگاری زیستگاه‌محور (مناطق ممنوع، حفاظت‌شده، پناهگاه حیات وحش، پارک ملی) نیز پرداخته است؛ در تاریخ ۱۳۷۵/۹/۲۵ اصلاح شده است، بنابراین ناسخ مواد مزبور قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ می‌باشد.

اما در خصوص قسمت نخست ماده ۶۷۹ که از جانوران حلال‌گوشت متعلق به دیگری حمایت کیفری به عمل آورده است باید بیان داشت که حمایت از جانوران حلال‌گوشت از ایرادات وارده بر قانون‌گذار است؛ زیرا چطور می‌توان کسی را که جوجه متعلق به دیگری را می‌کشد مجرم دانست، ولی کسی را که سگ نگهبان گران‌قیمت متعلق به دیگری را از بین می‌برد مجرم محسوب نکرد؟ (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۲۲۱). به دیگر سخن، حلال‌گوشت بودن جانوران موضوع قسمت نخست این ماده، سبب خروج جانوران حرام‌گوشت و حتی آن‌هایی که گوشتشان مکروه است می‌شود. برای مثال می‌توان به «الاغ» رهاشده اشاره کرد که در وضعیت فعلی نظام کیفری ایران بدون حمایت کیفری باقی می‌ماند؛ زیرا از یک‌سو نه صاحبی دارد که مال وی محسوب شود و نه در زمره‌ی جانوران حلال‌گوشت قرار می‌گیرد و از سوی دیگر نیز جزء جانوران وحشی نیست که قانون‌گذار به حمایت از آن‌ها پرداخته است.

به همین جهت گاه رویه‌ی قضایی، خلأ قانونی مورد اشاره را با تمسک به موادی دیگر از قوانین کیفری پر کرده که مطابق یکی از این آراء: «در خصوص اتهام... دائر بر ارتکاب فعل حرام به صورت آتش زدن عمدی یک رأس الاغ زنده و جریحه‌دار کردن افکار و عفت عمومی با عنایت به اینکه متهم با ریختن بنزین بر روی الاغ مبادرت به آتش زدن آن نموده که الاغ مزبور بعد از طی چندین کیلومتر و گذشت ۲۴ ساعت با وضعیت تأثربرانگیز تلف می‌شود... لهندا...»

بزه‌کاریش به نظر دادگاه محرز و مسلم است مستنداً به ماده ۶۳۸ از قانون مجازات اسلامی حکم به محکومیت متهم به تحمل پنجاه ضربه شلاق صادر می‌گردد».

در خصوص جانوران آبی نیز باید بیان داشت که قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴ به‌طور خاص به آن‌ها اختصاص یافته است؛ از این رو صید آن‌ها نه مشمول قانون شکار و صید بلکه مشمول قانون مذکور است.

ماده ۲۲ این قانون در راستای حمایت کیفری از منابع آبی رفتارهای متفاوتی را جرم‌انگاری کرده است که عبارت‌اند از: انجام فعالیت صیادی شناورهای خارجی در آب‌های تحت حاکمیت ایران (بند الف)؛ انجام فعالیت صیادی اشخاص ایرانی؛ عرضه و انتقال آبریان به‌منظور تکثیر و پرورش آن‌ها؛ تغییر مسیر، ایجاد موانع فیزیکی و احداث هرگونه تأسیسات غیرمجاز در رودخانه‌هایی که به‌عنوان مسیر مهاجرت یا تکثیر طبیعی آبریان تعیین شده‌اند و ایجاد هرگونه آلودگی یا انتشار بیماری‌های مسری و تخلیه فاضلاب‌های صنعتی و هرگونه مواد آلاینده که باعث خسارت به منابع آبی شود (بند ب) و صید در مناطق ممنوعه؛ صید گونه‌هایی که صید آن‌ها ممنوع شده است؛ صید گونه‌هایی که برای آن‌ها اجازه لازم دریافت نشده است؛ صید با آلات و ادوات و مواد غیرمجاز و یا نگاهداری این‌گونه آلات و ادوات و مواد در شناور بدون کسب مجوز از شیلات؛ حمل و نگهداری محصولات صید شده غیرمجاز در شناور (بند ج).

جانوران علاوه بر شکار و صید ممکن است بزه‌دیده قاچاق نیز واقع شوند. قانون‌گذار هر چند در قوانین شکار و صید و قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی به قاچاق جانوران توجه کرده بود، اما بار دیگر در قانون جدید مبارزه با قاچاق کالا و ارز به یکسان‌سازی مقررات حمایتی از جانوران در برابر قاچاق پرداخته است که این امر موجب نسخ مقررات گذشته در امر قاچاق جانوران شده است. ماده ۲۵ این قانون در این زمینه اشعار می‌دارد: «هرکس بدون اخذ مجوز قانونی از سازمان حفاظت محیط‌زیست و عدم رعایت سایر ترتیبات پیش‌بینی شده در قوانین و مقررات به صدور حیوانات وحشی عادی، در معرض نابودی و کمیاب، انواع موجودات آبی،

پرنندگان شکاری و غیرشکاری اعم از بومی یا مهاجر وحشی به‌طور زنده یا غیرزنده و نیز اجزای این حیوانات مبادرت کند یا در حین صدور و خارج نمودن دستگیر شود، هرچند عمل او منجر به خروج موارد مذکور از کشور نشود، به مجازات قاچاق کالای ممنوع محکوم می‌گردد...» ماده ۲۶ نیز که به‌صراحت ماده ۷۷ موجب نسخ بند «د» ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران شده است مقرر می‌دارد: «صید، عمل آوری، تهیه، عرضه، فروش، حمل، نگهداری و صدور خاویار و ماهیان خاویاری که میزان و مصادیق آن توسط سازمان شیلات تعیین می‌شود، بدون مجوز این سازمان مشمول مجازات قاچاق کالای ممنوع است».

۳-۱. درختان؛

به جهت سهم عظیم درختان در اکوسیستم و ارتباط آن‌ها با دو پدیده‌ی گرمایش زمین و تخریب لایه‌ی اوزن (قنبری جهرمی و محمودی کردی، ۱۳۹۱: ۳۶۳) حقوق کیفری ایران به دو شکل بزه‌دیدگی درختان را به رسمیت شناخته است. نخست حمایت از درختانی که جزء اموال اشخاص محسوب می‌شوند؛ چینی حمایتی نه به جهت حفظ و حمایت از محیط‌زیست و ارزش ذاتی درختان، بلکه به جهت حمایت از اموال اشخاص است. دوم حمایت از درختان به جهت آن‌که جزء اموال ملی اند و ثروت عمومی محسوب می‌شوند. در حالت نخست؛ یعنی حمایت کیفری از درختان متعلق به اشخاص، قانون‌گذار پرچم حمایت کیفری خویش را در دو ماده ۶۷۵ و ۶۸۴ قانون تعزیرات در برابر رفتارهای آسیب‌زا که به‌نوعی باعث مرگ درختان می‌شود برافراشته است. ماده ۶۷۵ که درصدد حمایت از درختان در برابر «آتش زدن» برآمده، مقرر می‌دارد: «هر کس عمداً... جنگل یا... اشجار یا... باغ‌های متعلق به دیگری را آتش بزند به حبس از دو تا ۵ سال محکوم می‌شود». ماده ۶۸۴ نیز که بر مبنای رفتار بزه‌کارانه «تخریب» بنیاد گرفته است، مقرر می‌دارد: «هر کس... باغ میوه یا نخلستان کسی را خراب کند یا محصول دیگری را قطع و درو نماید یا به‌واسطه سرقت یا قطع آبی که متعلق به آن است یا با اقدامات و وسایل دیگر خشک

کند یا باعث تضییع آن بشود... به حبس از شش ماه تا سه سال و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شود».

باین وجود انتقاداتی بر سیاست کیفری مقنن در وضع این دو مقرر قابل طرح است. انتقاد نخست را می‌توان با پیش‌کشی یک پرسش در خصوص ماده ۶۷۵ مطرح کرد که آیا با به‌کار بردن صیغه جمع در واژه‌های جنگل، اشجار و باغ، باید حتماً تمام یا حداقل قشر اعظم آن‌ها مورد آتش‌سوزی قرار گیرند تا ماده ۶۷۵ تحقق یابد یا به‌صرف آتش‌سوزی بخشی از جنگل یا یک درخت، بزه مزبور تحقق می‌یابد. در پاسخ می‌توان دو نظر را مطرح کرد.

نخست آن که ماده ۶۷۵ نگاهی دو سویه داشته؛ از یک‌سو نگاهی کلان به موضوع بزه که همانا جنگل، اشجار و باغ است و از سوی دیگر نگاهی سخت‌گیرانه به رفتار بزه‌کارانه که آتش زدن است. علاوه بر این، به‌کار بردن اسم جمع و جمع‌های مکسر در ماده دلالت بر کلانی رفتار دارد. بدین‌سان باید پاسخ پرسش مزبور را منفی دانست و معتقد بود که صرف آتش زدن یک درخت هرچند که در داخل باغ یا جنگل متعلق به دیگری باشد مشمول ماده ۶۷۵ نخواهد شد؛ بنابراین نتیجه آن می‌شود که آتش زدن یک یا چند درخت متعلق به دیگری مشمول حمایت کیفری قانون‌گذار قرار نمی‌گیرد، زیرا از یک‌سو تنها ماده‌ای که به آتش زدن درختان اشاره داشته ماده ۶۷۵ است و حتی ماده ۶۸۴ در مورد آن کارایی نداشته چرا که رفتار بزه‌کارانه آن تخریب است و نه آتش زدن و از دیگر سو استناد به ماده ۶۷۷ قانون تعزیرات که مقرر می‌دارد: «هر کس عمداً اشیای منقول یا غیرمنقول متعلق به دیگری را تخریب نماید یا به هر نحو کلاً یا بعضاً تلف نماید و یا از کار اندازد...» محل اشکال است؛ زیرا هم رفتار مادی بزه مزبور در این ماده آتش زدن نیست و تخریب است و هم اطلاق شی بر درخت که جان‌دار می‌باشد صحیح نیست، اما مطابق نظر دوم که به جهت حمایت از محیط‌زیست نظری قابل دفاع‌تر است، به‌کار بردن صیغه جمع در عبارت قانون مانع از اعمال آن نسبت به یکی از مصادیق آن نمی‌شود. به دیگر سخن صرف از بین بردن بخشی از مال یا خسارت به آن کفایت می‌کند و برای تحقق بزه،

نابود شدن تمام مال ضروری نیست (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۲۰۲)؛ بنابراین اگر کسی یک درخت متعلق به دیگری را نیز آتش بزند رفتارش مشمول ماده ۶۷۵ خواهد بود.

انتقاد دوم نیز در خصوص گستره‌ی حمایتی ماده ۶۸۴ از تمامی درختان در برابر رفتارهای تخریب‌گرایانه است. توضیح آن که حمایت کیفری مذکور در این ماده حمایتی حاصل‌محور می‌باشد که با بیان عبارات «باغ میوه، نخلستان یا محصول متعلق به دیگری» شکل گرفته است. با نگاهی به متن مواد ۶۷۵ و ۶۸۴ مشخص می‌شود که از لحاظ حمایت کیفری از درختان، گستره ماده ۶۸۴ نسبت به ماده ۶۷۵ محدودتر می‌باشد. در ماده ۶۷۵ به صراحت از جنگل‌ها، اشجار و باغ‌های متعلق به دیگری سخن به میان آمده است، حال آن که چنین صراحتی در ماده ۶۸۴ نمایان نیست. در واقع ماده ۶۸۴ چالشی را به وجود می‌آورد که بیانگر این پرسش است که آیا این ماده همچون ماده ۶۷۵ از تمامی درختان اعم از ثمر و غیرثمر حمایت می‌کند یا فقط مختص به درختان ثمر است. از یک سو با نگاهی به ماده ۶۸۴ مشخص می‌شود که این ماده بر مبنای حمایت از ثمره و حاصل پیش‌بینی شده است. استفاده از عباراتی چون «چراندن محصول دیگری»، «خراب کردن تاکستان، باغ میوه یا نخلستان» و «قطع و درو کردن محصول» نشان‌دهنده آن است که قانون‌گذار در این ماده به فکر حمایت از ثمره و دست رنج افراد بوده و از این رو تخریب جنگل یا اشجار متعلق به دیگری که ثمری از آنان حاصل نیاید مدنظر قانون‌گذار قرار نگرفته است. در واقع حتی در خصوص حمایت از باغ‌ها، ماده ۶۷۵ به صورت مطلق آن را مورد استفاده قرار داده است، در حالی که حمایت کیفری ماده ۶۸۴ به «باغ‌های میوه» منحصر شده است؛ بنابراین نتیجه آن می‌شود که مقنن ایرانی، تخریب درختان غیرثمر متعلق به دیگری را جرم‌انگاری نکرده و از آنان حمایت کیفری به عمل نیاورده است.

اما در حالت دوم که قانون‌گذار به حمایت کیفری از درختان ملی برخاسته است، برخلاف حالت نخست، انسجامی به چشم نمی‌خورد و این حمایت در قوانین پراکنده‌ای به عمل آمده که چالش‌هایی را در خصوص اعتبار قوانین حمایتی از آن‌ها به وجود آورده است. از جمله مهم‌ترین

این قوانین عبارت‌اند از قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶؛ قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۱۳۷۱؛ قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹ و اصلاحی ۱۳۸۸ و قانون تعزیرات.

با جمع میان این قوانین در مجموع می‌توان دو رفتار آسیب‌زای مهم علیه درختان را شناسایی کرد که عبارت‌اند از: آتش زدن و تخریب کردن. آتش زدن فقط در قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع به صراحت مورد اشاره قرار گرفته است. در این قانون علاوه بر آن که سوزاندن هر اصله نهال و روشن کردن آتش در تنه درخت جنگلی به ترتیب در مواد ۴۲ و ۴۶ پیش‌بینی گردیده‌اند؛ مهم‌ترین بزه یعنی ایجاد حریق در جنگل به دو شکل عمدی و غیر عمدی در مواد ۴۷ و ۴۵ مقرر گشته است. ماده ۴۷ بیان می‌دارد: «هر کس در جنگل عمداً آتش‌سوزی ایجاد نماید به حبس... از سه تا ده سال محکوم خواهد شد...». ماده ۴۵ اشعار می‌دارد: «... در صورتی که در نتیجه بی‌مبالاتی حریق در جنگل ایجاد شود مرتکب به حبس... از دو ماه تا یک سال محکوم خواهد شد». مهم‌ترین انتقاد به قانون‌گذار در جهت حمایت کیفری از درختان در برابر رفتار آتش‌سوزی آن است که گستره حمایتی خویش را فقط بر درختان جنگلی استوار نموده و بدین‌سان چنانچه درخت غیر جنگلی آتش زده شود، چتر حمایتی قانون‌گذار بسته خواهد شد. از دیگر سو، تخریب درختان را می‌توان از منظر مکان آن‌ها مورد بررسی قرار داد. نخست آن که درختان در فضایی غیر از فضای شهری باشند و دوم آن که آن‌ها واقع در چنین فضایی باشند. در حالت نخست، ایراد مطرح در بحث آتش‌سوزی وجود ندارد؛ چراکه قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۱۳۷۱ در ماده یک خود تمامی گونه‌های درختی را جز ذخایر جنگلی کشور محسوب داشته و از این منظر مهم نیست که این درختان در محیط جنگل باشند یا خیر؛ زیرا دیدگاه حمایتی این ماده، گونه‌محور بوده است نه مکان‌محور (جنگل).

مهم‌ترین مقررده در خصوص درختان موجود در فضای شهری ماده ۴ قانون اصلاح لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۸۸ می‌باشد که با توجه به مقررات مشابه آن با ماده ۶۸۶ قانون تعزیرات موجب نسخ این ماده شده است (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۲۲۴). به موجب این ماده: «هر کس درختان موضوع ماده (۱) قانون گسترش فضای سبز را عالملاً عامداً و برخلاف قانون مذکور قطع یا موجبات از بین رفتن آن‌ها را فراهم آورد، علاوه بر جبران خسارت وارده، حسب مورد به جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال برای هر درخت و در صورتی که قطع درخت بیش از سی اصله باشد، به حبس تعزیری از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد».

با این وجود سه نکته مهم در خصوص این ماده وجود دارد که لازم به ذکر می‌باشند. نخست آن که عملکرد قانون‌گذار در تصویب این ماده نسبت به ماده ۶۸۶ را می‌توان از یک سو مطلوب و از سوی دیگر نامطلوب دانست. اقدام مفید قانون‌گذار در ماده جدید را می‌توان پیش‌بینی جزای نقدی برای هر درخت به صورت مجزا دانست، در حالی که در ماده ۶۸۶ جزای نقدی برای رفتار فرد صرف‌نظر از تعداد درختان قطع شده پیش‌بینی شده بود، اما اقدام نامطلوب قانون‌گذار را می‌توان هم در تقلیل کیفر حبس از شش ماه تا سه سال به شش ماه تا یک سال و هم چنین مشروط کردن اعمال این کیفر به قطع بیش از سی اصله درخت دانست. در واقع چنین مجوزی از سوی قانون‌گذار به اشخاص اجازه می‌دهد که تا سی اصله درخت را قطع نمایند و در قبال این چنین رفتار آسیب‌زای مهمی که نتایج بسیاری بر جای می‌گذارد فقط کیفر نقدی بر شخص بار شود و هم چنین بزه کار با تجاوز قطع درختان به بیش از سی اصله درخت فقط با کیفر اندک شش ماه تا یک سال حبس مواجه می‌باشد.

۱. مطابق این ماده: «به منظور حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درختان، قطع هر نوع درخت یا نابود کردن آن به هر طریق در معابر، میدین، بزرگراه‌ها، پارک‌ها، بوستان‌ها، باغات و نیز محل‌هایی که به تشخیص شورای اسلامی شهر، باغ شناخته شوند در محدوده و حریم شهرها بدون اجازه شهرداری و رعایت ضوابط مربوطه ممنوع است...».

نکته دوم را می‌توان با طرح یک پرسش مطرح کرد و آن این است که ضمانت اجرای کیفری مقنن در ماده ۴ مزبور مشمول مالک درخت نیز می‌شود یا خیر. به دیگر سخن اگر شخصی در فضای شهری درختی را بکارد و سپس آن را قطع نماید آیا چتر حمایتی قانون‌گذار بر موضوع رفتار وی نیز گسترانیده خواهد شد یا خیر. برای پاسخ به این پرسش باید میان دو حالت تفکیک قائل شد. نخست آن که درخت مزبور در ملک شخصی دیگری باشد و دوم، درخت متعلق به دیگری در معبر عام مانند حریم خانه واقع شده باشد. در حالت نخست مالک نسبت به قطع درخت خود مرتکب رفتار مجرمانه‌ای نشده است؛ زیرا ملک شخصی افراد جز فضای شهری محسوب نمی‌شود. توضیح آن که ماده ۴ قانون حفظ و گسترش فضای شهری بیان می‌دارد که «هر کس درختان موضوع ماده ۱ این قانون را قطع نماید» و ماده یک از درختانی صحبت می‌کند که در یکی از این فضاها باشد: «معابر، میدین، بزرگراه‌ها، پارک‌ها، بوستان‌ها، باغات و نیز محل‌هایی که به تشخیص شورای اسلامی شهر، باغ شناخته شوند در محدوده و حریم شهرها؛ بنابراین منازل مسکونی اشخاص مشمول این ماده نبوده و از این رو چنانچه مالک در آن‌ها درختی را قطع نماید مرتکب جرمی نشده است، اما در حالت دوم، یعنی زمانی که مالک، درخت متعلق به خود که واقع در فضای شهری است را قطع می‌نماید باید معتقد بر حاکمیت ماده ۴ بر رفتار وی بود؛ زیرا این رفتار یک جرم علیه اموال نبوده، بلکه یک بزه علیه آسایش عمومی است که از طرف مالک نیز قابل تحقق است (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۲۲۴).

نکته سوم نیز آن است که چنانچه شخصی درخت متعلق به دیگری را آتش بزند باید معتقد به حاکمیت مواد ۶۷۵ و ۶۸۴ بود یا ماده ۴ قانون پیش‌گفته. به دیگر سخن آیا باید منفعت خصوصی را مقدم شمرد یا نفع جمعی را؟ برای پاسخ به این پرسش همانند پرسش پیشین میان دو حالت تفکیک قائل شد. اگر درخت در ملک شخصی دیگری باشد در این صورت بی‌تردید ماده ۶۷۵ حکم‌فرما خواهد بود، اما اگر درخت متعلق به دیگری در معبر عام مانند حریم خانه واقع شده باشد به نظر می‌رسد که در این فرض باید معتقد به حاکمیت ماده ۴ بود.

۱-۴. گیاهان؛

بررسی نظام کیفری ایران در خصوص بزه‌دیدگی گیاهان تصویر دوگانه‌ای از آن را نمایان می‌سازد. از یک‌سو قانون‌گذار به ارزش ذاتی گیاهان معتقد بوده و از دیگر سو، گیاهان را زمانی قابل ارزش دانسته است که برای اجزای دیگر محیط‌زیست مفید واقع می‌شوند. مهم‌ترین جلوه دیدگاه نخست قانون‌گذار در تبصره ۲ ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات نمایان گشته است که مطابق آن پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را که به حال گیاهان مضر باشد تغییر دهد، موجب آلودگی محیط‌زیست دانسته است، اما در دیدگاه دوم، قانون‌گذار به حمایت کیفری از گیاهان نه برای ارزش ذاتی خود، بلکه به جهات دیگر پرداخته است. یکی از این جهات را می‌توان نقش زیستگاه بودن گیاهان برای حیوانات دانست. قانون شکار و صید علاوه بر جرم‌انگاری حمایت‌مدار از حیوانات، به حمایت کیفری از زیستگاه‌های آنان نیز پرداخته است.

این جرم‌انگاری را می‌توان بر اساس رفتار فیزیکی بزه، به دو دسته تخریب و آتش‌سوزی تقسیم کرد. در رفتار نخست، بر حسب مکان وجود گیاهان، کیفر دارای شدت و ضعف خواهد بود. چنانچه گیاهان در مناطق حفاظت‌شده و پناه‌گاه‌های حیات‌وحش باشند، مطابق بند «د» ماده ۱۰ که مقرر می‌دارد: «از بین بردن رستنی‌ها از جمله خارزنی، بوته‌کشی و تعلیف غیرمجاز» کیفر نقدی از یک‌صد هزار ریال تا یک میلیون ریال یا حبس از یک تا شش ماه پیش‌بینی گردیده است، اما چنانچه این گیاهان در پارک‌های ملی و آثار طبیعی ملی باشند، کیفر از بین بردن آن‌ها مطابق ماده ۱۲ سه ماه تا سال حبس یا از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا هجده میلیون ریال خواهد بود. در خصوص رفتار دوم یعنی آتش زدن باید بیان داشت که این رفتار از دو جهت عمدی و غیرعمدی مورد جرم‌انگاری واقع شده است. مورد غیرعمدی در بند «ه» ماده ۱۳ پیش‌بینی گردیده که از این حیث تفاوتی میان وجود گیاهان در پارک‌های ملی، آثار طبیعی ملی، مناطق حفاظت‌شده و پناه‌گاه‌های حیات‌وحش گذاشته نشده است، اما در خصوص آتش زدن

عمدی گیاهان باید بیان داشت که این گیاهان حتماً باید در پارک‌های ملی و آثار طبیعی ملی وجود داشته باشند تا مشمول حمایت تبصره یک این ماده قرار گیرند. این دو رفتار هر چند در یک ماده مورد پیش‌بینی قرار گرفته‌اند، اما مورد غیر عمدی آن بنا بر صدر ماده ۱۳ موجب حبس از ۹۱ رو تا سه سال یا جزای نقدی از یک میلیون و هشتصد هزار ریال تا بیست میلیون ریال خواهد شد؛ در صورتی که مورد عمدی آن بنا به تصریح تبصره ۱، موجب تحقق کیفر مذکور در ماده ۶۷۵ قانون تعزیرات که عبارت است از دو تا پنج سال خواهد شد. در قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ نیز حمایت از گیاهان از یک سو بر پایه ممنوعیت و از سوی دیگر بر پایه بزه صورت گرفته است. ماده ۴۵ این قانون آتش زدن نباتات در مزارع و باغات داخل یا مجاور جنگل را به جهت پیش‌گیری از آتش‌سوزی جنگل ممنوع اعلام کرده است و از این جهت چون کیفری برای این ممنوعیت اعلام نکرده است در گستره حمایت کیفری قرار نمی‌گیرد، اما ماده ۴۴ اقدام به حمایت کیفری در برابر رفتار «چرانیدن بز» در جنگل کرده است و کیفر نقدی برای آن در نظر گرفته است.

۲. عناصر بی‌جان محیط‌زیست چون بزه‌دیده سبز؛

بزه‌دیدگان سبز بی‌جان بر چهار دسته هوا (۱)، آب (۲)، خاک (۳) و زمین (۴) تقسیم می‌شوند.

۲-۱. هوا؛

امروزه یکی از آثار مهم آلودگی در هوا که در اثر انتشار گازهای گلخانه‌ای به وجود می‌آید تغییر در آب‌وهوا است. به موجب ماده ۱ کنوانسیون تغییرات آب و هوایی این پدیده به معنای: «تغییری در آب‌وهوا است که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از فعالیت‌های بشری است که باعث متغیر نمودن جو جهان شده و جدا از تغییرات طبیعی آب‌وهوا است که در دوره‌های زمانی مختلف پدید می‌آید». این مسئله تا بدان جا اهمیت یافته است که مراجع بین‌المللی چون شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد تغییرات آب و هوایی را به منزله‌ی تهدیدی علیه صلح و امنیت

بین‌المللی قلمداد کرده و دو قطع‌نامه در رابطه با «حقوق بشر و تغییرات آب و هوایی» در ۲۸ مارس ۲۰۰۸ و ۲۵ مارس ۲۰۰۹ به تصویب رسانده است (بیگ‌زاده و افشاری، ۱۳۹۰: ۲۱۶).

در نظام حقوقی ایران قانون نحوه‌ی جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ قانونی خاص است که بزه‌دیدگی هوا را مورد شناسایی قرار داده است. ماده ۲ این قانون مقرر می‌دارد: «آلودگی هوا عبارت است از وجود و پخش یک یا چند آلوده‌کننده اعم از جامد، مایع، گاز، تشعشع پرتوزا و غیر پرتوزا در هوای آزاد به مقدار و مدتی که کیفیت آن را به طوری که زیان‌آور برای انسان و یا سایر موجودات زنده و یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد تغییر دهد».

در این قانون پس از بیان منابع آلوده‌کننده هوا و دسته‌بندی سه‌گانه آن‌ها به وسایل نقلیه‌ی موتورسیکلت، کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و نیروگاه‌ها و منابع تجاری و خانگی و منابع متفرقه برای اشخاصی که موجب آلودگی هوا شوند کیفرهایی در مواد ۲۸ تا ۳۲ پیش‌بینی شده است. مهم‌ترین رفتارهای مجرمانه در این قانون عبارت‌اند از: تردد با وسایل نقلیه موتورسیکلت‌سوار (ماده ۲۸)؛ نقض ممنوعیت‌های آلودگی هوا (ماده ۲۸)؛ عدم رعایت ضوابط، رفع آلودگی یا توقف فعالیت‌های موجب آلودگی هوا از سوی کارخانه‌ها و کارگاه‌ها (ماده ۲۹) و ایجاد آلودگی توسط منابع تجاری و اماکن عمومی (ماده ۳۱) و منابع متفرقه و خانگی (ماده ۳۲).

با این وجود، سه نکته در خصوص بزه‌دیدگی هوا در نظام حقوقی ایران به خصوص قانون مزبور قابل ذکر است. نخست آن که قانون مزبور حمایت کافی را از هوا در برابر آلودگی به عمل نیاورده است. به طور مثال می‌توان به جرایم قابل ارتکاب توسط منابع موتورسیکلت‌سوار آلوده‌کننده اشاره کرد که فقط تردد با آن‌ها جرم‌انگاری شده است؛ در حالی که بدیهی است تردد به معنای عبور و مرور در معابر است و چنانچه وسیله نقلیه موتورسیکلت بدون تردد روشن گردد و آلودگی تولید نماید با تمسک به این ماده نمی‌توان مرتکب آن را به کیفر رساند. نکته دوم را می‌توان در قالب یک پرسش مطرح کرد و آن این است که آیا به واقع آلودگی هوا مشمول ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات در خصوص تهدید علیه بهداشت عمومی می‌شود یا خیر؟ در پاسخ می‌توان دو نظر را مطرح کرد. نخست آن که آلودگی هوا از ره‌گذر این ماده قابل کیفردهی است؛ زیرا علاوه بر آن که تبصره ۲ ماده مزبور یکی از شقوق

آلودگی محیط زیست را پخش یا آمیختن مواد خارجی به هوا به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را تغییر دهد دانسته است، اصل ماده به صورت تمثیلی بیان شده که قابلیت تعمیم بر آلودگی هوا را نیز دارد، اما در مقابل بر اساس نظر دوم باید پاسخ پرسش مزبور را منفی دانست و معتقد بود که آلودگی هوا مشمول ماده ۶۸۸ نبوده و بر اساس قانون خاص خود قابل کیفردهی است. دلیل این امر آن است که از یک سو قانون تعزیرات قانونی عام بوده و قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا قانونی خاص، بنابراین بر طبق قواعد اصولی، عام مؤخر خاص مقدم را نسخ نمی کند و از دیگر سو، منطقی به نظر نمی رسد که قانون گذار در ماده ۶۸۸ برای سه دسته منابع آلوده کننده کیفر یکسان حبس تا یک سال را در نظر گرفته باشد که در این حالت ضمانت اجرای شخصی که با خودروی دودزا تردد می نماید با صاحب کارخانه ای بزرگ که حجم وسیعی از آلودگی را تولید می نماید همسان است؛ بنابراین با توجه به این که قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا برای دو دسته منابع آلوده کننده وسایل نقلیه موتوری و منابع تجاری، متفرقه و خانگی کیفر جزای نقدی را در نظر گرفته و کیفر حبس را تنها برای صاحبان کارخانه ها و کارگاه ها مقرر کرده، نمی توان این سه دسته را طبق ماده ۶۸۸ با ضمانت اجرای واحدی کیفر داد و هر سه را مشمول این ماده دانست. نکته سوم آن است که چیزی که از میزان تقویت تفکر حمایتی از هوا به طور بالقوه می کاهد آن است که نظام حقوقی ایران آلودگی هوا را در صورتی به رسمیت می شناسد که تغییر حاصل در آن به طور حتم به حال انسان، یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد. در واقع بزه دیدگی هوا به جهت ارزش ذاتی خود نبوده بلکه به جهت آن که برای دیگران می تواند مضر باشد به رسمیت شناخته شده است.

۲-۲. آب؛

در نظام حقوقی ایران هر چند حمایت کیفری از آب پراکنده گی و عدم انسجام به چشم می خورد (خالقی و رشوادی، ۱۳۹۲: ۱۳۵)، اما در برخی قوانین بزه دیدگی آب در برابر آلودگی به رسمیت شناخته شده است. مهم ترین قوانینی که در این راستا به تصویب رسیده اند عبارت اند از: قانون شکار و صید، قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب ۱۳۴۷، قانون حفاظت و بهسازی

محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳، قانون تعزیرات و قانون حفاظت از دریاها و رودخانه‌های قابل کشتی‌رانی در مقابل آلودگی به مواد نفتی مصوب ۱۳۸۹.

ماده ۱ آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی آب مقرر می‌دارد: «آلودگی آب عبارت است از تغییر مواد محلول و یا معلق و یا تغییر درجه حرارت و دیگر خواص فیزیکی و شیمیایی و بیولوژیکی آب در حدی که آن را برای مصرفی که برای آن مقرر است، مضر یا غیرمفید سازد». تبصره ۲ ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات نیز یکی از شقوق آلودگی محیط‌زیست را پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب دانسته به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد.

در قوانین مختلف، کیفر در نظر گرفته شده برای مرتکب آلودگی آب، با توجه به نوع آب متفاوت خواهد بود. چنانچه آب آلوده شده از نوع آب آشامیدنی باشد، بر طبق ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات از جمله مصادیق تهدید علیه بهداشت عمومی است که کیفر حبس تا یک سال برای آن در نظر گرفته شده است. چنانچه آب رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، تالاب‌های حفاظت‌شده، چشمه‌ها و آبشخورها آلوده شود بر طبق بند «د» ماده ۱۲ قانون شکار و صید کیفر سه ماه تا سه سال حبس و یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا هجده میلیون ریال در نظر گرفته شده است. نکته قابل توجه در این خصوص آن است که ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات «ریختن مواد مسموم‌کننده در رودخانه‌ها» را از مصادیق تهدید علیه بهداشت عمومی دانسته که از این جهت باید بیان داشت که در این مورد، بند «د» ماده ۱۲ قانون شکار و صید حاکم خواهد بود؛ زیرا طبق قسمت اخیر ماده ۶۸۸، کیفر مقرر در ماده زمانی اعمال خواهد شد که بر طبق قوانین خاص کیفر شدیدتری برای مرتکب در نظر گرفته نشده باشد. سرانجام در خصوص مناطق دریایی ایران باید دو حالت را از هم تفکیک کرد. نخست آلودگی این آب‌ها با مواد غیرنفتی و دوم آلودگی با مواد نفتی. در خصوص حالت نخست، بند «د» ماده ۱۳ قانون شکار و صید حکم‌فرما خواهد بود که برای آلوده نمودن آب دریای خزر و خلیج فارس و دریای عمان کیفر حبس از نود و یک روز تا سه

سال یا جزای نقدی از یک میلیون و هشت صد هزار ریال تا بیست میلیون ریال را مقرر کرده است، اما در حالت دوم قانون حفاظت از دریاها و رودخانه‌های قابل کشتیرانی در مقابل آلودگی به مواد نفتی برای آلوده نمودن عمدی آب مناطق دریایی موضوع قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۲/۱/۳۱ و آب‌های تحت حاکمیت دولت جمهوری اسلامی ایران در دریای خزر و رودخانه‌های قابل کشتیرانی کیفر حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از بیست میلیون ریال تا پنج میلیارد ریال و یا هر دو مجازات و برای آلوده نمودن غیرعمدی این آب‌ها جزای نقدی از ده میلیون ریال تا یک میلیارد ریال را در نظر گرفته است.

با این حال هر چند بزه دیدگی آب در نظام حقوقی ایران به رسمیت شناخته شده است، اما این شناسایی به جهت ارزش ذاتی آب نبوده بلکه بر طبق قوانین مزبور، زمانی حمایت کیفری از آب در برابر آلودگی به عمل خواهد آمد که این آلودگی به ضرر سایرین باشد. توضیح آن که در قوانین مورد اشاره بزه دیدگی آب منوط به آن شده است که آلودگی آن به ضرر انسان یا سایر موجودات باشد. برای مثال در تبصره دو ماده ۶۸۸ به تغییر منفی آن به ضرر انسان، جانوران، گیاهان، آثار و ابنیه اشاره شده است. همین موضع در بند «د» مواد ۱۲ و ۱۳ قانون شکار و صید اتخاذ شده است که حمایت کیفری در آن‌ها منوط به آن شده که آلودگی آب باعث از بین رفتن آبزیان یا به خطر افتادن محیط زیست آنان شود؛ اما چنین شیوه‌ای در قانون حفاظت از دریاها و رودخانه‌های قابل کشتیرانی در مقابل آلودگی به مواد نفتی دیده نمی‌شود و آلودگی آب به صورت مطلق جرم‌انگاری شده است.

۲-۳. خاک؛

در نظام کیفری ایران، خاک می‌تواند بزه دیده دو جرم آلودگی و تخریب باشد. آلودگی خاک مطابق ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات در قالب تهدید علیه بهداشت عمومی جرم‌انگاری شده است. هر چند ماده ۶۸۸ سخنی از آلودگی خاک به میان نیاورده است، اما چون به صورت تمثیلی بیان

شده عنصر قانونی بزه‌دیدگی خاک را تشکیل می‌دهد. مطابق این ماده: «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زائد، ریختن مواد مسموم‌کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیرمجاز دام، استفاده غیرمجاز فاضلاب خام یا پساب تصفیه‌خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می‌باشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد». نکته مهم در این خصوص آن است که بزه‌دیدگی خاک در برابر آلودگی به جهت ارزش ذاتی خاک نبوده، بلکه به جهت آن که ممکن است ضرری برای دیگران داشته باشد صورت گرفته. به همین جهت است که تبصره دو ماده ۶۸۸ بیان می‌دارد: «منظور از آلودگی محیط‌زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به... خاک... به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی، یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد». بدین سان، در صورتی که خاک مورد هجوم آلودگی‌ها قرار گیرد ولی این آلودگی به ضرر دیگران نباشد، بزه‌دیده یک رفتار مجرمانه نخواهد بود. هم‌چنین چنانچه آلودگی به دیگر بخش‌های محیط‌زیست وارد آید، خاک به‌عنوان ارزشی در نظر گرفته نشده است که بتوان بزه‌دیدگی‌اش را از گذر آن رهگیری کرد؛ به همین جهت چنانچه برای مثال آلودگی هوا رخ دهد، هر چند این آلودگی به ضرر خاک باشد، این عنصر زیست‌محیطی به‌عنوان بزه‌دیده معرفی نخواهد شد. ذکر نمونه‌ای از آراء قضایی در این خصوص می‌تواند به روشن‌تر شدن گستره بزه‌دیدگی خاک کمک نماید. از این رو در یکی از آراء قضایی آمده است:

«در خصوص اتهام آقای... مبنی بر آلودگی محیط‌زیست با استفاده از سوخت‌های فسیلی مازوت به جای انرژی پاک که منتهی به تهدید علیه بهداشت عمومی گردیده است... با عنایت به اعلام شکایت مبنی بر اینکه «نیروگاه... بیش از سه سال است از سوخت مازوت در فصول مختلف سال استفاده نموده و با این اقدام خود روزانه بیش از ۳۵۰ تن دی‌اکسید گوگرد وارد هوای مناطق

مجاور آن می‌نماید... و استفاده زیاد از مازوت و حتی پسماندهای نیروگاه اصفهان آلودگی شدیدی سطح منطقه را فراگرفته است» که تداوم جریان آلودگی و پساب خروجی موجبات آلودگی خاک و در صورت اشباع شدن خاک و نفوذ به آب‌های زیرزمینی این آب‌ها نیز آلوده خواهند شد...، بنابراین وقوع بزه انتسابی از ناحیه نامبرده محرز و مسلم است لذا دادگاه با استناد به ماده ۶۸۸ و تبصره‌های یک و دو آن از قانون تعزیرات و ماده ۱۶ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا نامبرده را به تحمل یک سال حبس تعزیری محکوم می‌نماید؛ بنابراین در این رأی بزه دیدگی خاک به جهت وارد شدن پساب حاوی سیانور نیروگاه به آن به رسمیت شناخته شده است؛ نه بزه دیدگی خاک ناشی از آلودگی هوا. در واقع در وضعیت فعلی نظام حقوقی ایران، خاک تنها می‌تواند بزه دیده ناشی از آلودگی وارد به خود باشد نه بزه دیده غیرمستقیم آلودگی هوا.

دومین جرم علیه خاک، تخریب آن است. در این خصوص دو مقرر قانونی به طور عام و خاص از خاک در برابر رفتار تخریب‌گرانه حمایت کیفری به عمل آورده‌اند. نخست ماده ۶۹۰ قانون تعزیرات که مقرر می‌دارد: «هر کس... مبادرت به عملیاتی نماید که موجب تخریب محیط‌زیست و منابع طبیعی گردد... به مجازات یک ماه تا یک سال حبس محکوم می‌گردد». دوم ماده ۱۱ قانون اراضی مستحدث و ساحلی مصوب ۱۳۵۴ که تخریب این اراضی از طریق برداشت خاک را مستوجب حبس تا سه سال دانسته است؛ اما دو نکته در خصوص جرم تخریب خاک در این دو قانون قابل ذکر می‌باشد. نخست آن که گستره حمایتی ماده ۶۹۰ تمامی کشور ایران را در برمی‌گیرد در حالی که ماده ۱۱ ناظر بر اراضی مستحدث و ساحلی است. دوم آن که در ماده ۶۹۰، خاک به‌عنوان بزه دیده در نظر گرفته شده است در حالی که در ماده ۱۱ مزبور، برداشت خاک وسیله‌ای است که از ره گذر آن اراضی مستحدث و ساحلی تخریب می‌شود نه آن که خاک بزه دیده باشد.

۲-۴. زمین؛

منظور از زمین در این جستار آنچه که غیر از بخش‌های اصلی محیط‌زیست و متعلق به کره‌ی خاکی است می‌باشد؛ بنابراین گستره زمین بسیار وسیع بوده و برای مثال شامل آبشارها، کوه‌ها، کوهستان‌ها، کویر، دشت‌ها، چشمه‌ها، اراضی بایر و موات، مراتع، بوته‌ها، خارها و درختچه‌ها می‌باشد.

مهم‌ترین بزه علیه زمین در حقوق کیفری ایران تخریب آن است. ماده ۶۹۰ قانون تعزیرات مقرر می‌دارد: «هر کس به وسیله صحنه‌سازی... به تهیه آثار تصرف در اراضی مزروعی اعم از کشت‌شده یا در آیش زراعی، جنگل‌ها و مراتع ملی شده، کوهستان‌ها، باغ‌ها، قلمستان‌ها، منابع آب، چشمه‌سارها، انهار طبیعی و پارک‌های ملی و... به منظور تصرف یا ذی‌حق معرفی کردن خود یا دیگری، مبادرت نماید یا بدون اجازه سازمان حفاظت محیط‌زیست یا مراجع ذی‌صلاح دیگر مبادرت به عملیاتی نماید که موجب تخریب محیط‌زیست و منابع طبیعی گردد... به مجازات یک ماه تا یک سال محکوم می‌شود». در قوانین خاص نیز بزه‌دیدگی زمین به رسمیت شناخته شده است که از جمله می‌توان به از بین بردن رستنی‌ها در مناطق حفاظت‌شده و پناهگاه‌های حیات وحش، پارک‌های ملی و آثار طبیعی، تخریب چشمه‌ها و آبشخور حیوانات در مناطق حفاظت‌شده و پناهگاه‌های حیات وحش (مواد ۱۰، ۱۱ و ۱۲ قانون شکار و صید) و بریدن و ریشه کن کردن بوته‌ها و خارها و درختچه‌های بیابانی و کویری و کوهستانی در مناطق کویری و بیابانی (ماده ۴۳ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع) اشاره کرد.

برآمد؛

در دهه ۱۹۹۰ میلادی بزه‌دیده‌شناسی سبز که در پرتو جرم‌شناسی سبز که خود از رویکردهای انتقادی به نظام عدالت کیفری است پا به عرصه‌ی ظهور گذاشت تا گامی انتقادی در عرصه‌ی شناسایی بزه‌دیدگان بزه‌های زیست‌محیطی را با نگاهی متفاوت برداشته باشد. بزه‌دیده‌شناسی سبز به دنبال اثبات این سخن است که علاوه بر بزه‌دیدگان انسانی که ماهیت بزه‌دیده‌شناسی متعارف

را تشکیل می‌دهد، امکان ایراد ضرر بر کسان دیگری غیر از انسان است که می‌تواند آن‌ها را قربانی سازد؛ بنابراین باید نگاه خود را تغییر داده و طبیعت را نیز در کنار انسان بزه‌دیده تلقی کنیم. از این رو از منظر بزه‌دیده‌شناسی سبز، بزه‌دیدگان سبز در دو دسته جان‌داران (اشخاص، جانوران، درختان و گیاهان) و بی‌جانان (هوا، آب، خاک و زمین) قابل شناسایی هستند. علاوه بر این، نسل‌های آینده نیز بزه‌دیده سبز خواهند بود خود در دو دسته ذکر شده می‌گنجند. در حقوق کیفری ایران نیز هرچند حمایت یک‌پارچه و سنجیده‌ای از محیط‌زیست و اجزای آن به عمل نیامده است، اما رویکرد حاکم بر آن، دیدگاه طبیعت‌محور است که بر اساس آن بزه‌دیدگی دو دسته پیشین به رسمیت شناخته شده است. در واقع قوانین کیفری ایران، هم اشخاص و هم طبیعت را به‌عنوان بزه‌دیده سبز معرفی کرده است. با این وجود چالش‌های موجود در این نظام قانونی را نباید نادیده گرفت. نبود انسجام مزبور چالش‌های فراوانی را برای اعمال یک سیاست جنایی حمایت‌مدار مطلوب و بخردانه به وجود می‌آورد، به همین جهت لازم است که مقنن ایرانی به سوی اصلاح قوانین کیفری زیست‌محیطی خود گام بردارد. علاوه بر این آنچه که در نظام حقوقی ایران در خصوص آلودگی محیط‌زیست وجود دارد عدم توجه به ارزش ذاتی منابع حیات یعنی آب، خاک و هوا است. به همین جهت لازم است که قانون‌گذار با اصلاح قوانین گستره حمایتی خویش از بزه‌دیدگان سبز به‌خصوص منابع پیش‌گفته در برابر آلودگی را شفاف سازد و به ارزش ذاتی آن‌ها توجه نماید. از این رو آنچه مطمح نظر آن است که هرچند اجزای محیط‌زیست با یکدیگر مرتبط هستند، اما این ارتباط نباید سبب به حاشیه رفتن ارزش ذاتی آن‌ها شود که این امر لازم می‌نماید قانون‌گذار حمایت کیفری خویش را مبتنی بر ارزش ذاتی محیط‌زیست نماید نه آن که زمانی پرچم حمایتی خویش را افراشته نماید که دیگر اجزای محیط‌زیست به سبب نقض بخشی از آن مورد آسیب قرار گیرد.

منابع

- بیگ‌زاده، ابراهیم؛ افشاری، مریم (۱۳۹۰). «تغییرات آب و هوایی از امنیت بین‌المللی تا امنیت انسانی در حقوق بین‌الملل». تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه شماره ۵، ۲۴۳-۲۱۱.
- جاهد، محسن (۱۳۹۲). «اخلاق و حیوانات: رویکردها و نظریه‌ها». اخلاق زیستی، سال سوم، شماره دهم، ۱۶۱-۱۸۸.
- خانعلی‌پور، سکینه؛ آقابابایی، حسین؛ انصاری، اسماعیل (۱۳۹۵). «حقوق حیوانات در سنجه جرم‌شناسی انتقادی. گونه‌های حیوانی». پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هفتم، شماره دوم، ۱۰۵-۱۲۹.
- خالقی، ابوالفتح؛ رشنوادی، حجت‌الله (۱۳۹۲). «سیاست تقنینی کیفری ایران در صیانت از منابع آب با عنایت به اسناد بین‌المللی». پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره سوم، ۱۱۹-۱۴۱.
- دانش‌ناری، حمیدرضا؛ مرادفر، علی (۱۳۹۴). «جرم‌شناسی جهان بوم: رهیافتی نوین در مطالعات جرم‌شناسی بین‌المللی». مطالعات بین‌المللی پلیس، سال ششم، شماره ۲۱، ۵۱-۷۴.
- رهامی، محسن؛ حیدری، علی مراد؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۹). جرایم بدون بزه‌دیده. چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- زارع‌مهدوی، قادر؛ دانش‌ناری، حمیدرضا (۱۳۹۵). امنیت بین‌المللی و جرایم زیست‌محیطی. چاپ نخست، تهران: نشر روناس.
- سیدفاطمی، سیدمحمدقاری؛ مشهدی، علی (۱۳۹۰). «ماهیت حق بر محیط‌زیست». تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه شماره ۶، ۲۵۲-۲۲۱.
- عباچی، مریم (۱۳۹۵). «جرم‌شناسی سبز». دائره‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقالات تازه‌های علوم جنایی). کتاب دوم، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- قاسمی، ناصر (۱۳۸۴). حقوق کیفری محیط‌زیست. تهران: انتشارات جمال‌الحق، چاپ دوم.

